



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
الصلوة
والسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

امام صادق عليه السلام

و حفظ آرمان
اساسی تشیع

داود الهامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام صادق علیه السلام و حفظ آرمان اساسی تشیع

نویسنده:

داود هامی

ناشر چاپی:

نشریه درسهایی از مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام صادق (ع) و حفظ آرمان اساسی تشیع
۶	مشخصات کتاب
۶	سیر تشیع در ایران
۲۱	پاورقی
۲۴	درباره مرکز

مؤلف: داود الهامی

ناشر: درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۳۷۵، تیر ۱۳۷۱

سیر تشیع در ایران

پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) مفهوم حقانیت امام در خاندان پیامبر از نسل امام حسین مطرح شد و وظیفه امامت به هدایت روحانی و مذهبی جامعه منحصر گردید و این امر به وسیله امام زین العابدین و امام باقر (علیه السلام) تبیین شد ولی در زمان امام صادق (علیه السلام) گروهی از سادات حسنی که دست به قیام زدند، امامت را در انحصار اعقاب امام حسین (ع) ندانسته و به نسل امام حسن (علیه السلام) نیز تعمیم دادند و بدین وسیله اصول اساس امامت را که عبارت بود از «نص» و «علم» و «عصمت» انکار نمودند. به اعتقاد شیعه «امامت» مانند نبوت یک نوع منصب الهی است، همان طوری که خدا هر که را بخواهد برای منصب نبوت انتخاب می کند، همچنان خدا هر کس را بخواهد برای منصب امامت برمی گزیند، او تمامی وظایفی را که پیغمبر به عهده دارد به عهده خواهد داشت با این تفاوت که به امام وحی نمی شود و لازمه داشتن این منصب، عصمت است و امام باید معصوم هم باشد و تنها دوازده نفر از اهل بیت پیغمبر دارای مقام امامت بوده اند و اخبار زیادی راجع به این تعداد، از پیامبر اکرم از طرق شیعه و سنی نقل شده است که از جمله: فرمود: «لا يزال الدين قائماً حتى تقوم الساعة و يكون عليهم اثنا عشر خليفة كلهم من قريش» [۱] (دین همیشه بر پا است تا قیام قیامت و برایشان دوازده خلیفه که همگی از قریشند، فرمانرواست). در مسند احمد بن حنبل آمده است که از عبدالله

بن مسعود سؤال شد آیا پیغمبر به شما خیر داده است عدد خلفا بعد از خودش را؟ گفت: بلی، عدد نقباء بنی اسرائیل دوازده نفرند. [۲]. مفاد این اخبار که از طرق معتبر اهل تسنن است جز بر مذهب شیعه دوازده امامی تطبیق نمی شود و اخبار زیادی از طرق عامه که متضمن نص بر دوازده امام شیعه است، از طرق عامه روایت شده است. علاوه بر این کتابهایی که ذکر شد، سایر علمای اهل تسنن در کتابهای خود به طور پراکنده اخباری در این باره نقل کرده اند سلیمان بلخی در کتاب «ینایع الموده» باب ۷۷ / ۴۴۴ را اختصاص به این موضوع داده و اخبار زیادی در این باب از شیخین و ترمذی، ابن داود، مسلم، سید علی همدانی و شعبی و نقل کرده است. از جمله می گوید: یحیی بن حسن فقیه در کتاب «عمده» از بیست طریق نقل نموده که «إِنَّ الْخُلَفَاءَ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» مرحوم بحرانی در غایه المرام باب ۱۲ را به این موضوع اختصاص داده و احادیثی که در این باره از اهل تسنن وارد شده در آن باب نقل کرده است. در کتاب «کفایه الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر» تألیف «علی بن محمد بن علی خزاز رازی یا قمی» روایات اصحاب پیغمبر در رابطه با تنصیب بر عدد و اسامی ائمه اثنی عشر یاد شده است این احادیث به ضمیمه تمامی احادیثی که در کتب شیعه از پیغمبر و سایر امامان اهل بیت در بیان عدد اسامی ائمه هدی (علیه السلام) آورده اند فوق حد تواتر

است. البته نه تنها راجع به تعداد دوازده گانه ائمه اطهار در روایات اهل سنت تصریح شده، بلکه اسامی فرد فرد آنها نیز ذکر شده است مؤلف کتاب «ینایع الموده» از فرائد السمطین» شیخ الإسلام حموینی از مجاهد از ابن عباس نقل می کند که مردی یهودی به نام «نعل» مسائلی چند درباره توحید از پیامبر اکرم (ص) پرسید، حضرت پاسخ دادند، نعل قانع شد اسلام آورد، بعد عرض کرد یا رسول الله هر پیغمبری وصی داشته، وصی شما کیست؟ حضرت فرمود: «إِنَّ وَصِيَّ عَلِيٍّ بِنُ أَبِيطَالِبٍ وَبَعْدَهُ سِبْطَايَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ تَتْلُوهُ تِسْعَةُ أَيْمَةٍ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ»، نعل عرض کرد یا محمد اسامی آنها را برای من بیان فرما. حضرت فرمود: «إِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ فَابْنُهُ عَلِيٌّ، فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ جَعْفَرٌ، فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ فَابْنُهُ مُوسَى، فَإِذَا مَضَى مُوسَى فَابْنُهُ عَلِيٌّ، فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ عَلِيٌّ، فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَابْنُهُ الْحَسَنُ، فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَابْنُهُ الْحُجَّةُ مُحَمَّدُ الْمُهْدِيُّ فَهَؤُلَاءِ اثْنِي عَشَرَ.....» سپس نعل طرز به شهادت رسیدن هر یک را سؤال کرد و حضرت جواب داد، آنگاه نعل گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و انك رسول الله و اشهد انهم الأوصياء بعدك» بعد نعل گفت: آنچه فرمودی در کتب انبیاء پیشین نیز دیده ام و در وصیت نامه حضرت موسی کاملاً ثبت است آنگاه رسول اکرم (ص) فرمود: «طوبى لِمَنْ أَحَبَّهُمْ وَ اتَّبَعَهُمْ وَ وِیْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ وَ خَالَفَهُمْ» [۳]. (خوشا به حال کسی که آنها را دوست بدارد و متابعت نماید و وای به حال کسی که آنها را دشمن بدارد و مخالفت کند)

شیعه معتقد است چنانچه پیغمبر (ص) دارای تمام علومی که مردم در امور دینی و دنیوی نیازمند به آنها بودند و وظیفه هدایت به سوی حق و حقیقت و اجراء عدالت کامل اجتماعی به وسیله حاکمیت مطلق خود از طرف خداوند برای او ثابت بود. علی (علیه السلام) و یازده نفر از فرزندانش هم تمام این منصبها را از طرف خداوند برحسب نیابت از پیغمبر (ص) داشتند بر مردم واجب بود که در هر زمانی بر سر هر یک از آنها که امام وقت بود گرد آیند و اطاعت او را برعهده گیرند تا امام هم آنها را به آنچه موجب سعادت نهائی آنها است، رهنمون شود. غرض بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) و کناره گیری امام سجاد از صحنه و شروع انقلابات خونین از طرف علویان تمایلاتی افراطی در آئین امامت به وجود آمد و در این جریان وظیفه استراتژیکی امام صادق (علیه السلام) ایجاب می کرد، ضمن حفظ آرمان اساسی تشیع از جذب به ترکیب پدیدار شده از تمایلات افراطی شیعیان نیز در داخل جلوگیری نماید در این تلاش امام صادق (علیه السلام) بیشترین تأکید خود را بر روی دو اصل اساسی نهاد: اصل اول نص و اصل دوم علم است، به این معنی: امامت موهبت الهی است که به شخص برگزیده ای از خاندان پیامبر اعطا می شود و هر امام قبل از رحلتش طبق دستور خداوند، امامت خود را با معرفی و تعیین صریح و روشن (نص) به امام بعدی منتقل می کند و طبق نص صریح امامت از علی (علیه السلام) به حسن از حسن (علیه السلام) به حسین (علیه السلام) تفویض شد

و سپس به ترتیب در نسل پیایی امام حسین (علیه السلام) ادامه یافت تا به امام جعفر صادق (علیه السلام) رسید و این حقیقت، امامت امام جعفر صادق (علیه السلام) را از مدعیان دیگری که ادعای امامت داشتند، متمایز می کند آنها آشکارا منکر تعیین و نص صریحی بودند که براساس آن علی (علیه السلام) به وسیله حضرت محمد (ص) به امامت رسید و آنها تعیین امام بعدی را به وسیله امام قبلی با نص صریح نمی پذیرفتند بدین جهت امام صادق (علیه السلام) برای اثبات امامت خود و امامان دیگر تأکید زیادی به اصل نص در آئین امامت داشته است. عمرو بن اشعث می گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: «أَتَرُونَ الْمُوصِيَّ مِنَّا يُوصِي إِلَى مَنْ يَرِيدُ؟ لَا وَاللَّهِ وَلَكِنْ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِرَجُلٍ فَرَجَلٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَى صَاحِبِهِ» [۴]. شما گمان می کنید هر کس از ما امامان وصیت می کند، به هر کس می خواهد وصیت می کند؟! نه به خدا، چنین نیست، بلکه امر امامت عهد و فرمانی است از جانب خدا و رسولش برای مردی پس از مردی (از ما خانواده) تا به صاحبش برسد (یعنی برسد به امام دوازدهم) و در حدیث دیگری، ابو بصیر می گوید: در خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که نام اوصیاء را بردند و من هم اسماعیل را نام بردم حضرت فرمود: «لَا وَاللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا ذَاكَ إِلَيْنَا وَ مَا هُوَ إِلَّا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَنْزِلُ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ» [۵]. (نه به خدا، ای ابا محمد، تعیین امام به اختیار ما نیست، این کار تنها به

دست خداست که درباره هر یک پس از دیگری فرو می فرستد. البته اسماعیل فرزند ارشد امام صادق (علیه السلام) است که در حال حیات امام (علیه السلام) وفات یافت با وجود این فرقه اسماعیلیه او را امام می دانند، در این مجلس ابوبصیر از اسماعیل به عنوان امام نام می برد که حضرت آن را رد می کند. امام صادق (علیه السلام) درباره این که ائمه اطهار جز به عهد و فرمان خدا کاری انجام نمی دهند، به «معاذ بن کثیر» می فرماید: «إِنَّ الْوَصِيَّةَ نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى مُحَمَّدٍ كِتَابًا لَمْ يَنْزِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كِتَابٌ مَخْتومٌ إِلَّا الْوَصِيَّةَ...» امر وصیت از آسمان در مکتوبی بر محمد (ص) نازل شد و مکتوب سر به مهر بر پیامبر اکرم نازل نشد مگر درباره وصیت، جبرئیل عرض کرد یا محمد (ص) این وصیت تو است درباره امت نزد اهل بیت. رسول خدا فرمود: ای جبرئیل کدام اهل بیتم؟ گفت: برگزیده خدا از میان ایشان و ذریه او (علی و اولادش علیهم السلام) و این وصیت برای این است که علی علم نبوت را از تو به ارث ببرد، چنان که ابراهیم به ارث داد و میراث این علم برای علی (علیه السلام)، و ذریه تو از نسل او است. آنگاه امام صادق (علیه السلام) فرمود: آن مکتوب چند مهر داشت، علی (علیه السلام) مهر آن را گشود و به آنچه در آن بود عمل کرد، سپس حسن (علیه السلام) مهر دوم را گشود و به آنچه در آن مأمور شده بود، عمل نمود چون حسن (علیه السلام) وفات کرد، حسین (علیه السلام) مهر سوم را

گشود، دید در آن نوشته است: «جنگ کن و بکش و کشته می شوی و مردمی را برای شهادت همراه خود ببر، برای ایشان شهادتی جز همراه تو نیست» او هم عمل کرد و چون خواست در گذرد، پیش از آن مکتوب را به علی بن الحسین (علیه السلام) داد، او مهر چهارم را گشود و دید در آن نوشته است: سکوت کن و چون علم در پرده شده سر به زیر انداز، چون او خواست وفات کند، آن را به محمد بن علی داد، او مهر پنجم را گشود، دید در آن نوشته است: «کتاب خدای تعالی را تفسیر کن و پدرت را تصدیق نما (مثل او سکوت کن) و ارث امامت را به پسرت بده و امت را نیکو تربیت کن و به حق خدای عزوجل قیام نما، و در حال ترس و امنیت حق را بگو و جز از خدا مترس، او هم عمل کرد و سپس آن را به شخص بعد از خود داد. معاذ گوید: من عرض کردم فدایت شوم، آن شخص شمائید؟ فرمود: ای معاذ، من از چیزی باک ندارم جز این که بروی و علیه من روایت کنی (یعنی آری منم اما این خبر را به مخالفین و دشمنان ما مگو) عرض کردم من از خدائی که این مقام را از پدرانت به تو رسانده است خواستارم که تا پیش از وفات شما مانند آن را به فرزندان عطا کند فرمود: ای معاذ چنین کرده است، عرض کردم: او کیست؟ فرمود: این شخص خوابیده و با دست خود به عبد صالح (موسی بن جعفر) اشاره کرد که خوابیده بود.

[۶]. به همین مضمون روایات دیگری نیز از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است. [۷]. امام صادق (علیه السلام) در شرح موقیعت امام (علیه السلام) عبارات روشنی را بیان داشته است و اعلام کرده که: «الإمامة عهدٌ من الله» [۸] امامت میثاقی است بین خدا و انسان و شناسائی امام بر هر مؤمنی واجب است و هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد همچون کافر مرده است «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ» [۹] امام حجت خدا بر روی زمین است و حجت خدا بر خلقش بر پا نشود مگر به وجود امام [۱۰] کلمات آنان کلام خداست و فرامین آنها فرامین خداست، آنها کاری را جز به فرمان خدا انجام نمی دهند. [۱۱]. امامان هستند که خداوند مردم را به اطاعت از آنان فرمان داده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» [۱۲]. امام صادق (علیه السلام) می افزاید: «زمین در هیچ حالی از امام خالی نگردد برای آن که اگر مؤمنین چیزی (در اصول یا فروع دین) افزودند آنها را برگرداند و اگر چیزی کم کردند، برای آنها تکمیل نماید» [۱۳] امامان جانشینان خداوند در روی زمین و درهای توجه به سوی او هستند. [۱۴]. امامان کسانی هستند که خداوند همه پلیدی ها را از آنان دور ساخته و آنان را پاک گردانیده است. [۱۵]. امامان تنها راهنمایان دین هستند [۱۶] و همچون ستارگان برای ساکنین آسمانها و برای حفظ و هدایت مردم زمین به امامت برگزیده شده اند. امامان علامات و نشانه هائی هستند که خداوند در قرآن از آنها یاد فرموده است.

[۱۷]. دومین اصلی که درباره امامت، امام ششم بر آن تأکید نموده، علم است این اصل بدان معنی است که هر امامی دارای مجموعه علوم لدنی است که قبل از رحلتش در آخرین دقیقه ای که از روح او باقی مانده است به امام بعد از خود انتقال می دهد [۱۸] علم مخصوص امام شامل معانی ظاهری و باطنی قرآن است امام صادق (علیه السلام) فرمود: «نَحْنُ الرّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»: (راسخون در علم ما هستیم و ما تأویل قرآن را می دانیم). در حدیث دیگری آمده است که: «نَحْنُ شَجَرَةُ النُّبُوَّةِ وَ بَيْتُ الرَّحْمَةِ وَ مَفَاتِيحُ الْحِكْمَةِ وَ مَعْدَنُ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَوْضِعُ سُرِّ اللَّهِ وَ نَحْنُ وَدِيعَةُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَ نَحْنُ حَرَمُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَ نَحْنُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ عَهْدُ اللَّهِ فَمَنْ وَ فِي بَعْدِنَا فَقَدْ وَ فِي بَعْدِ اللَّهِ وَ مَنْ خَفَّ ذِمَّةُ اللَّهِ وَ عَهْدَهُ...» [۱۹]. (ما درخت نبوت و بیت رحمت و کلید حکمت و کانون دانش و محل رسالت و آمد و شد فرشتگان و محل راز خدائیم، ما هستیم امانت خدا در میان بندگانش و ما هستیم حرم بزرگ خدا، ما هستیم امان خدا، ما هستیم پیمان خدا، هر که به پیمان ما وفا کند به پیمان خدا وفا کرده و هر که با ما پیمان شکنی کند، پیمان و عهد خدا را شکسته است). امامان علم پیغمبر خاتم و تمام پیغمبران و اوصیاء پیشین خود را به ارث برده اند. مفضل بن عمر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: سلیمان از داود ارث برد و محمد از سلیمان ارث برد و

ما از محمد (ص) ارث بردیم، علم تورات و انجیل و بیان آنچه در الواح (حضرت موسی) بود نزد ماست عرض کردم: علم کامل همین است؟ فرمود: این علم کامل نیست، علم کامل آن است که روز به روز ساعت به ساعت پدید می آید» [۲۰].

شاید علمی که روز به روز، ساعت به ساعت، برای امام پدید می آید همان الهاماتی است که از نظر مسائل روز و مقتضیات زمان از جانب خداوند متعال به قلب امام افاضه می شود تا از تمام مردم زمان خویش اعلم باشند. امامان همه قرآن را می دانند امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ وَكَأَنَّهُ فِي كَفِّي فِيهِ خَبْرُ السَّمَاءِ وَخَبْرُ الْأَرْضِ وَخَبْرُ مَا كَانَ وَخَبْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ» [۲۱]. به خدا که من کتاب خدا را از آغاز تا پایانش می دانم، چنانکه گوئی در کف دست من است در قرآن است خبر آسمان و زمین و خبر گذشته و خبر آینده، خدای عزوجل فرماید: «بیان هر چیز در آن است». امام صادق (علیه السلام) با اعلان این حقیقت که علم و اسلحه پیامبر در اختیار اوست، ادعای نفس زکیه را که اظهار می داشت، شمشیر پیامبر در پیش اوست. انکار می کرد سعید سمان می گوید: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که دو مرد زیدی مذهب بر آن حضرت وارد شدند و گفتند: آیا در میان شما امامی که اطاعتش واجب باشد، هست؟ (مقصودشان اثبات امامت زید بن علی (علیه السلام) بود) فرمود: نه (امامی که مقصود شماست در میان ما نیست)

آن دو نفر گفتند: افراد موثق به ما خبر دادند که شما به آن فتوی دهی و اعتراف کنی و عقیده داری و آن خبر دهندگان فلان و فلان هستند که نام می بریم و ایشان دارای تقوی و کوشش در عبادتند و دروغ نگویند امام صادق (علیه السلام) ناراحت شد و فرمود: من به آنها چنین دستوری نداده ام، چون آن دو نفر آثار ناراحتی در سیمای امام دیدند، بیرون رفتند. حضرت به من فرمود: این دو نفر را می شناسی؟ عرض کردم آری، اینها اهل بازار ما هستند و از طایفه زیدیه می باشند و عقیده دارند که شمشیر پیغمبر (ص) نزد عبدالله بن حسن است امام فرمود: خدای لعنتشان کند، دروغ می گویند به خدا که عبدالله بن حسن آن را ندیده نه با یک چشم و نه با دو چشمش و پدرش هم آن را ندیده، جز این که ممکن است آن را نزد علی بن الحسین دیده باشد اگر راست میگویند چه علامتی در دسته آن است؟ و چه نشانه و اثری در لبه تیغ آن است؟ شمشیر پیغمبر (ص) نزد من است همچنان که پرچم و جوشن و زره و خود پیغمبر نیز در اختیار من است، اگر راست می گویند در زره پیغمبر (ص) چه علامتی است؟ و نیز پرچم پیروزی بخش پیغمبر (ص) پیش من است و همچنین الواح موسی و عصای او، انگشتر سلیمان بن داود نزد من است، طشتی که موسی قربانی را در آن انجام داد، نزد من است و اسمی که نزد پیغمبر (ص) بود و چون (در جنگ) آن را میان مسلمانان و کفار می گذاشت، چوبه تیری از

کفار به مسلمین نمی رسید، نزد من است و من آن را می دانم و همچنین آنچه را که فرشتگان (از اسلحه برای پیامبران سابق) آورده اند، نزد من است و داستان سلاح در خاندان ما همان داستان تابوت است در بنی اسرائیل بر در هر خاندانی که تابوت پیدا می شد، نشانه اعطاء نبوت بود و سلاح به هر کس از ما خانواده رسد، امامت به او سپرده می شود پدرم زره رسول خدا (ص) را پوشیده و دامنش اندکی به زمین کشیده می شد و به قد من هم همچنان بود، قائم ما کسی است که چون آن را به تن کند، کاملاً به اندازه قامتش باشد انشاءالله. [۲۲]. طبق احادیث موجود امام صادق برای اثبات حقانیت خود در مقابل مدعیان امامت به دو اصل «نص» و «علم» و داشتن طومارها و اسلحه های پیامبران استناد کرد و این امتیاز و شایستگی ارثی تنها به فرزندان از فاطمه (علیها السلام) که امامت آنها از جانب خدا معین شده بود، محدود می گشت و بدین ترتیب آن حضرت دعاوی دیگر هاشمیان، اعم از علویان و یا عباسیان را مردود دانست. خلاصه امام صادق (علیه السلام) آرمان اساسی شیعه را از نوع تحریف و انحراف باز داشت و اعتقادات امامت شیعیان را محکمتر نمود و برخی از بزرگان شیعه برای این که از صحت اعتقاد خود اطمینان حاصل کنند، دین و اعتقادات خود را به امام (علیه السلام) عرضه می کردند از جمله کسانی که اعتقاد خود را در حضور امام بیان داشته، و مورد تأیید وی قرار گرفته، عمرو حریث است وی می گوید: گفتم فدایت شوم آیا اجازه می دهی دین و عقیده خود

را به شما عرضه کنم؟ امام فرمود: بلی ای عمرو. گفتیم: دین من این است که گواهی می دهم که هیچ معبودی به جز خداوند نیست و محمد بنده او و فرستاده اوست گواهی می دهم که روز قیامت بدون هیچ تردیدی فرا خواهد رسید و بی گمان خداوند مردگان را از قبر برانگیزد و گواهی می دهم به وجوب نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان و انجام حج برای کسی که استطاعت دارد، گواهی می دهم به ولایت علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین پس از پیامبر خدا که درود خدا بر هر دو باد و ولایت حسن و حسین، علی بن الحسین و محمد باقر (علیهم السلام) و پس از او بر ولایت شما شهادت می دهم که شما امامان من هستید با این اعتقاد زندگی می کنم و با این اعتقاد خواهم مرد و این دینی است که خدا را با آن عبادت می کنم. همین که سخن عمرو به اینجا رسید، امام (علیه السلام) فرمود: «یا عمرو هذا و الله دینی و دین آبائی الذی تُدینُ الله به فی السرِّ و العلانیه فَاتَّقِ الله وَ كَفِّ لِسَانَكَ أَلَّا مِنْ خَيْرٍ وَ لَا تَقُلْ إِنِّي هِدَيْتُ بَلِ اللهُ هِدَاكَ» (ای عمرو! این (عقاید) دین من و دین پدران من است که خدا را در پنهان و آشکار پرستش کردند، از خدا بترس و زبان خود را از گفتن هرگونه سخن به جز آنچه نیک است، نگهدار و نگو من نفس خودم را هدایت کردم، بلکه خداوند ترا هدایت کرده است و این نعمتی است که خداوند به تو داده و شکر آن را بجا آور [۲۳]. کَشَى، عبارات مشابهی را از

زکریا بن سابق و ابراهیم المخارقی و داود بن یوسف و خالد بن بجلی و حسین بن زباد عطاء و عیسی بن سری و ثبت کرده است. [۲۴]. بدین ترتیب امام صادق (علیه السلام) به اعتقادات شیعیان، نظارت کامل داشت و جلو انحرافات آنان را می گرفت و از جمله کسانی که از اعتقادات شیعه امامیه منحرف شده بود و از برکت امام صادق (علیه السلام) از گمراهی نجات یافت سید اسماعیل حمیری شاعر معروف اهل بیت است او در ابتدا معتقد به امامت محمد بن حنفیه و از شیعیان کیسانیه بود. مرحوم مفید می نویسد: سید اسماعیل حمیری پس از آنکه به برکت آن حضرت از مذهب کیسانیه دست کشید و سخن آن حضرت را در رد گفتار خود و دعوتش در اعتقاد به امامت ائمه دین شنید این اشعار را درباره او سرود: ۱- یا راکبا نحو المدینه حسره عذا فره یطوی بها کل سَبَسَبٍ ۲- اذا ما هداک الله عایت جعفرأ فقل لولی الله و ابن المهدب ۳- الا یا ولی الله و ابن ولیه اتوب الی الرحمن ثم تأوب ۴- الیک من الذنب الذی کنت مطمئناً اجاهد فیه دائماً کل معرب ۵- و ما کان قولی فی ابن خوله دانیاً معانده منی لنسل المطیب ۶- ولکن روینا عن وصی محمد(ص) و لم یک فیما قال بالمتکذب ۷- بان ولی الامر یفقد لا- یری سنین کفعل الخائف المترقب ۸- فیقسم اموال الفقید کانما تغیه بین الصفیح المنصب ۹- فان قلت لا- فالحق قولک والذی تقول فختم غیر ما متعصب ۱۰- و اشهد ربی ان قولک حجه علی الخلق طراً من مطیع و مذنب ۱۱- بان ولی

الامر و القائم الذی تطلع نفسی نحوه و تطرب ۱۲- له غیبه لا بدان سیغیها فصلی علیه الله من متغیب ۱۳- فیمکت حیناً ثم یظهر امره فیماً عدلاً کل شرق و مغرب ۱- ای کس که بر شتر سخت تندرو سوار گشته و به سوی مدینه روانی و به وسیله آن شتر راههای دور و دراز را در هم پیچی. ۲- خدا ترا هدایت کند هر گاه جعفر بن محمد (علیه السلام) را دیدار کردی پس به آن ولی و آن پاکیزه زاده بگو: ۳- آگاه باش ای ولی خدا و ای پسر ولی خدا، من به سوی خدای مهربان توبه می کنم و سپس بازگشت می کنم. ۴- به سوی تو از گناهی که زمان درازی بدان رفتم، و همواره درباره آن، با هر مرد زبان آوری مبارزه کردم. ۵- و گفتار من درباره پسر خوله (یعنی محمد حنفیه) دینی نبود که من بدان واسطه دشمنی با نژاد پاک و پاکیزه (شما) داشته باشم. ۶- ولی از وصی پیامبر ما که در آنچه گفته است، دروغگو نیست روایت شده: ۷- که ولی خدا مانند شخص ترسان و نگران سالها از دیدگان ناپدید شود. ۸- و دارائی آن گمشده را قسمت کنند، چنانکه گویا از دنیا رفته و در میان سنگهای قبر پنهان شده. ۹- پس اگر می گوئی چنین نیست پس گفتار تو حق است و آنچه تو می گوئی مسلم است بی آن که تعصبی در آن باشد. ۱۰- پس خدا را گواه می گیرم که گفتار تو بر همه مردمان از فرمانبر و از گنه کار حجت است. ۱۱- به اینکه ولی امر و آن امام قائم که جان من به سوی او پرواز

می کند و می رود. ۱۲-وی را غیبتی است که به ناچار باید انجام شود، درود خدا بر آن امام دور از نظر باد. ۱۳- روزگاری در پس پرده بماند آنگاه که آشکار شود و مشرق و مغرب را از عدل و داد پر کند. مرحوم مفید، پس از نقل اشعار فوق می گوید: و این شعر نشانه این است که سید حمیری از مذهب کیسانیه دست کشیده و معتقد به امامت حضرت صادق (علیه السلام) شده و دعوت شیعه در روزگار امام صادق (علیه السلام) به امامت آن بزرگوار آشکار است و نشانه دیگری است که داستان غیبت امام زمان (علیه السلام) در آن زمان گوشزد مردم بوده و این غیبت خود یکی از نشانه های آن بزرگوار است و این گفتار همان است که شیعیان دوازده امامی بدان معتقدند. [۲۵]. آری امام صادق (علیه السلام) دارای عظمت و شخصیتی بود که توانست شیعیان را پیرامون خود جمع کند و اغلب آنان را در علم و معرفت و عقیده با هم هم عقیده سازد و در یک صف قرار دهد بی آن که در معرض آزار و تبعید و قتل واقع شوند و بنیاد محکمی برای بنای نظام احکام و اصول عقاید شیعه ریخت و همین بقای مذهب شیعه را در تاریخ تضمین کرد.

پاورقی

[۱] صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴- مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۸۶-۸۹- کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۳.

[۲] مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۹۱.

[۳] سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینایع الموده، ص ۴۴-۲۴۲- طبع هشتم، ۱۳۸۵ هـ - بحرانی، غایه المرام، ج ۱، ص ۶۴-۱۶۲.

[۴] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۸.

[۵]

کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۷.

[۶] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۴، باب ان الائمه علیهم السلام لم يفعلوا شیئاً و لا يفعلون الا بعهد من الله.. علاوه بر روایت یاد شده سه روایت دیگر نیز در این زمینه نقل شده است.

[۷] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۷.

[۸] همان مدرک ص ۳۷۸.

[۹] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۹.]

[۱۰] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۸۸۷.

[۱۱] همان مدرک، ص ۱۸۷.

[۱۲] همان مدرک ص ۱۷۹.

[۱۳] همان مدرک ۱۹۳.

[۱۴] سوره احزاب آیه ۳۳.

[۱۵] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

[۱۶] همان کتاب، ج ۱، ص ۲۰۷.

[۱۷] همان کتاب ص ۲۷۴.

[۱۸] همان کتاب ص ۲۱۳.

[۱۹] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۱.

[۲۰] همان کتاب، ج ۱، ص ۲۲۵.

[۲۱] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۹.

[۲۲] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۳۲- رجال کشی، ص ۸-۴۲۷.

[۲۳] کشی، رجال، ص ۴۱۸.

[۲۴] کشی، رجال، ص ۴۱۹ به بعد.

[۲۵] مفید، ارشاد، ص ۲۶۶- ترجمه ارشاد، ج ۲، ص ۱۹۸-۲۰۰. (ص ۲۰۲).

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

